

مقام سعدی در ادبیات فرانسه

(۵)

حال که این بحث پایان میرسد بیفایده نیست به نامی که از سعدی در ادبیات فرانسه به یادگار مانده است اشاره کنیم (۱). شاید سخن گفتن از «تأثیر» سعدی در شعر و ادب فرانسه اندکی گزاف گوئی باشد، اما در این سخن جای بحث نیست که برخی از گویندگان بزرگ فرنگ که ذوق و طبع آنان به قریحه و اندیشه سعدی نزدیک بود و یا گرایش داشت از این منبع فیض الهام گرفته اند و کلام سحرانگیز سعدی در برانگیختن عواطف و احساسات آنان کارگر افتاده است.

نفوذ سعدی در ادبیات فرانسه خاصه در نوشته‌های نهضت رمانتیک با تأثیری که دیگر گویندگان ایرانی (چون فردوسی و خیام و حافظ) داشته‌اند همراه است اما تصریح و تحدید سهم هر یک در سپردن بخشی از میراث ادبی ایران به فرنگیان کاری دشوار و تا اندازه‌ای تصنعی است. وانگهی نشان دادن تأثیر سعدی در شعر ادب رمانتیک فرنگ مستلزم بحثی کلی و مقدماتی پیرامون نفوذ شعر و ادب و دانش شرقی (متجمله ایرانی) در فرهنگ اروپا (منجمله فرانسه) از قدیمترین ایام تا قرن ۱۹ و نیز بیان علل و موجبات تاریخی، اقتصادی و سیاسی آنست. چنین بحثی ما را از موضوع این مختصر بسیار دور میکند (و ما هنگامی دیگر به آن خواهیم پرداخت) اما از این نفوذ میتوان بالا جماع سخن گفت و برای بدست دادن معیار کار بدگرچند نمونه و مورد اکتفا کرد.

آندره دوریر منتخبی از گلستان را بزبان فرانسه ترجمه کرد و بسال ۱۶۳۴ تحت عنوان «گلستان یا کشور گلها» در پاریس بچاپ رسانید (۲) این ترجمه بدیع با همه نقائصی که داشت از طرف صاحب نظران اروپا که نخستین بار بایکی از آثار ادبیات ایران مواجه میشدند با شور و علاقه سرشار استقبال گشت «دیری نپائید که آوازه شهرت سعدی در فرنگستان پیچید و ادب پژوهان کشورهای اروپا این میهمان روحانی شرق را با مهر و گرمی تمام پذیره آمدند ترجمه‌ها و چاپهای گلستان و بوستان بزبانهای بیگانه بسیار و مقالات و ملاحظاتی انتقادی خاورشناسان درباره سعدی و نوشته‌های او فراوان است. در همان قرنی که دوریر ترجمه

۱ با استفاده از متمم رساله‌هائری ماسه و مقاله «سعدی در اروپا» که در روزنامه اخبار ایران پنجشنبه ۳۰ دی ۱۳۳۸ بچاپ رسیده است

۲ - دوریر ترجمه قرآن را نیز بسال ۱۶۴۷ در پاریس منتشر ساخت.

منتخبی از گلستان را بچاپ رسانید (۱) ترجمه‌های آن بزبانهای آلمانی لاتین وهلندی انتشار یافت . یکسال پس از طبع ترجمه فرانسوی « فریدریش اکسن باخ » آنرا بزبان آلمانی برگرداند .

در ۱۶۵۱ (آمستردام) Jentius آنرا برای شاهزاده ساکسن بلاتین ترجمه کرد ودر ۱۶۵۴ (هامبورگ) Oléarius الثاریوس دوباره آنرا بالمانی در آورد . در ۱۷۷۴ منتخبی از گلستان بوسیله استفن سالیوان Sullivan بزبان انگلیسی ترجمه شد . مشهور است که توماس هاید T. o Maa hyde بوستان رادر قرن هفدهم به انگلیسی برگردانید اما یکی از قدیمی ترین ترجمه‌های چاپ خورده بوستان (بسال ۱۶۸۸ در آمستردام) بزبان هلندی وبخامه DHavar است (۲) .

در قرن نوزدهم ترجمه‌های کامل و مطمئن گلستان و بوستان بزبانهای اروپائی انتشار یافت . شارل دو فرمری ترجمه گلستان وباربیه دومنار ترجمه بوستان را بامقدمه و حواشی سودمند بزبان فرانسه منتشر کردند . در همین سده گلستان را گراف بزبان آلمانی نازاریانیس بزبان روسی ، ایستویک بزبان انگلیسی (۳) وکازیمیرسکی بزبان لهستانی برگردانند (۴) از همان زمان که نخستین ترجمه‌های گلستان در اروپا بطبع و نشر رسید گویندگان فرنگ ازین منبع سرشار الهام گرفتند . ریشه وزاد گاه برخی از حکایات حکمت آموز و نظرات داستان سریان و شعر او فیلسوفان اروپائی را در نوشته‌های سعدی باید جست اینان بتصدیق صاحب نظران مضامینی از شیخ اجل بعاریت گرفته در ادبیات غرب رواج داده اند . در مجموعه آثار منظوم ژان دولافنتن که ظاهراً پیش از همه باین گنج شایگان دست

- ۱- باید دانست که شاردن نیز در سفرنامه خود ترجمه گلچینی از گلستانرا آورده است .
 - ۲- دائره المعارف اسلام ۱۹۳۴ ص ۴۰ مقاله مربوط به سعدی بقلم J. H. Kramers
 - ۳- برای آگاهی بیشتر از ترجمه‌های گلستان و بوستان سعدی بزبان انگلیسی رجوع کنید بمقاله آقای سعید نفیسی : « روابط فرهنگی ایران وانگلستان » در نشریه وزارت امور خارجه بهمنماه ۱۳۳۸ از ص ۳۱ ببید
- چون سخن از ترجمه آثار سعدی بزبان انگلیسی در میان است بی مناسبت نیست نامه ایرا که وزارت امور خارجه ایران بعنوان « ملکم » سفیر ایران در انگلستان فرستاده است بیاوریم :

مورخه ۲۳ شهر جمادی الثانیه ۱۳۰۶

جناب جلالت مآبدر هفته سابق که بجواب پاکتهای دهم و یازدهم زحمت داده شد بفرستم که محض اظهار و استدعای آن جناب نشان از درجه سیم بافتخار عالیجاه « سرادوین له نولد » که کتاب مرحوم شیخ را نظماً بانگلیسی ترجمه نموده است مرحمت شد چون هنوز فرمان آنهم بصرحه و مهر مبارک مزین نشده بود بهمان اطلاع خاطر تریف اکتفا شد حال آنکه فرمان آنهم بصرحه و مهر آثار توشیح یافت در ضمن همین پاکت ارسال باین مختصر برای اطلاع جاطر شریف زحمت داده شد بزبانده مزاحمت ندارم .

(نقل از یقمای تیرماه ۱۳۳۰)

۴ این فهرست که بدون استقصا فراهم آمده است کامل نیست

یافت قصه‌هایی وجود دارد که بتصدیق سخنان سنجان مقتبس از سعدی است. داستان «رؤیای مغول» Le Songe D'un habitant du môgol بتصدیق شالدوفرمری و Chauvin از این حکایت سعدی که درباب دوم گلستان (در اخلاق درویشان) آمده اقتباس شده است:

«یکی از صالحان بخواب دید پادشاهی رادربهشت و پارسائی را در دوزخ پرسید که موجب درجات این چیست و سبب درکات آن چه که مردم بخلاف این همی مینداشتند ندا آمد که این پادشاه بارادت درویشان به بهشت اندر است و آن پارسا بتقرب پادشاهان در دوزخ .. (۱) بعقیده Walckenaër لافنتین از راه ترجمه دوریر به این داستان دست یافت. بنظر دو قمری داستان «گوش خر گوش» Les oreilles du lèvr's لافنتن «وقصه بخیلی که زرش بردند و سنگ بجای آن نهادند» از يك حکایت سعدی (۱) آب خورده است (Chauvin نیز بر همین گمانست) و این بیت گلستان: بدریا در منافع بیشتر است و گر خواهی سلامت بر کنار است (باب اول) و از همان داستان:

عمل پادشاه چون سفر دریاست خطرناک و سودمند یا گنج برگیری یا در طلسم بمیری
 یازرهبر دوست خواجه در کنار یا موج روزی افکندش مرده بر کنار (آیات زیر لافنتن را):
 La mer promet monts et merveilles بیاد اومی آورد و شباهت آشکارا که میان حکایت زیرین لافنتن:

L'astrologue Qui se laisse tomber dans un puits

(قصه آن ستاره شناس که بچاه اندر افتادوی را گفتند تو که پیش پای خویش نیاری دید بر فراز سر خود چه توانی خواند) و این حکایت سعدی وجود دارد خاطر نشان میسازد: منجمی بخانه در آمد یکی مرد بیگانه را دید بازن او بهم نشسته دشنام و سقط گفت و فتنه و آشوب خاست صاحب دلی که بر این واقف بود گفت: تو بر اوج فلک چه دانی چیست که ندانی که در سرایت کیست، کارسن دوتاسی (۲) بشباهتی دیگر اشاره میکند: سعدی فرماید: دشمن دانا به از نادان دوست. لافنتن گوید:

Rien n'est si dangereux Qu'un ignorant ami mieux vaudrait
 un sage ennemi

Senecé (۱۷۵۷-۱۶۴۲) یکی دیگر از نویسندگان این عصر نیز از سعدی ملهم و متأثر است. در قرون ۱۷ و بخصوص ۱۸ «آسیامهد تمدنهای کهن از نظر مردم اروپا نمود و جلوه‌ای سحر آمیز داشت. سعدی نیز یکی از مظاهر جدل ناپذیر این عظمت بشمار میرفت. زیرا

۱- شارل روفرمری مینویسد لافنتن درین تمثیل: اندیشه‌های یونانی و شرقی را بهم آمیخته است» (ترجمه گلستان پاریس ۱۸۵۸)
 ۱- ماهه آنرا حکایت I صفحه ۱۶ گلسه‌انی که در دسترس میداند اماندانستم که این

داستان کدامست *

۲- Allégories, récits Ponetiques et chants populaires p. 202

(چاپ دوم) از صفحه ۱۹۷ تا ۲۱۰ ترجمه پند نامه منسوب بسعدی آمده است

کسانیکه مفهومی مبهم اما پرشکوه از مشرق داشتند باعلاقه واحترامی خاص سعدی و آثار او را مینگریستند .

دیدرو مقاله‌ای بگلستان اختصاص داد(۱) ولتر گلستانرا خوانده بود و از ترجمه (خیالی) آن سخن میراند . درنامه‌ای بتاریخ ۵ ژوئن ۱۷۵۲ ازپستدام خطاب به Forney سردبیر Bibliothèque Impartiale در باره این ترجمه موهوم که بخود نسبت میدهد مینویسد :

« بمن خواهید گفت برای ترجمه سعدی دانستن زبان فارسی باید آیاشما بازبان پارسی آشنائی دارید؟ سوگند یاد میکنم که يك لغت فارسی نیز نمیدانم اما همانگونه که La motte میتواند هومر را ترجمه کند من نیز سعدی را بزبان فرانسه برگردانیده‌ام ، تسامح وافکار مدارا آمیز سعدی درزمینه معتقدات مذهبی ومشارب فلسفی بی گمان مورد ستایش وپسندولتر بوده‌است . دو فرمری این گفته ولتررا :

Qu' un PERSE ait conservé le feu sacré cent ans le pauvre homme est brulé quand il tombe dedans

مقتبس ازین بیت گلستان میدانم : اگر صدسال گبر آتش فروزد بيك دم کاندرواقتد بسوزد (باب اول گلستان درسيرت پادشاهان(۲) بقیه در شماره آينده



پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

1 - Diderot. le گلستان (Ed. assézat et tournex paris 1845 t.Iv)

- این بیت در ویس ورامین فخرالدین گرگانی (در حدود ۴۴۵ هجری) بدینگونه

آمده است

اگر صدسال گبر آتش فروزد هم اوروزی بدان آتش بسوزد
(ویس ورامین بتصحیح مجتبی مینوی طهران ۱۳۱۴ ص ۴۴۳)